

تنفس مصنوعی برای احیای ژانر علمی - تخیلی

شیما صالحی

اشاره

داستان علمی-تخیلی، حتی در گذشته‌های دور، زمانی که افلاطون، فیلسوف بزرگ و معلم اخلاق، تلاش داشت تا آرمان شهر خود را پی‌ریزی کند نیز وجود داشت. معلم اخلاق به مردم می‌گفت: اگر درختان را قطع می‌کنید، نهال‌های تازه به جای آن‌ها بنشانید. اگر دارویی را کشف کردید، با توجه به مفاهیم و باورهای دینی خود، با آن چه می‌کنید؟ اگر داروی شما این امکان را فراهم آورد تا مردم به سن پیری برسند، با پیران خود چه می‌کنید؟ اگر مردم را به خوابی پانصد ساله فرو ببرید و سپس بیدار کنید، چه می‌شود؟ تمام این پرسش‌ها، از گونه داستان‌های علمی تخیلی هستند. در واقع کتاب «جمهوری» افلاطون را به بسیاری لحاظ می‌توان از اولین اشکال داستان علمی و تخیلی نامید. امروزه از داستان علمی - تخیلی، به عنوان ادبیات هشدار دهنده، ادبیات گریز و ادبیات پیشگویی کننده نام برده می‌شود. به این معنا که داستان علمی-تخیلی، درباره آینده هستی و کره زمین هشدار می‌دهد و دست به پیش‌بینی و پیشگویی می‌زند.

ایزاک آسیموف، نویسنده برجسته که بیش از ۵۰۰ جلد کتاب علمی-تخیلی نوشته، می‌گوید: «من سعی نمی‌کنم شاعرانه یا به سبک ادبی عالی بنویسم، می‌کوشم تا صرفاً ساده بنویسم و شاید خوش اقبالی من باشد که چنان واضح می‌اندیشم که نوشته‌ام.» آسیموف اذعان دارد که هرگز آثار همینگوی، فیتز جرال، کافکا و مارکز را نخوانده و با شعر و رمان‌های قرن بیستم بیگانه است. باید دانست که نویسندگان برجسته داستان‌های علمی - تخیلی را در درجه نخست، با دانشمندان نابغه علوم عصر خود قیاس می‌کنند. هم‌چنین آرتور. سی. کلارک، دانشمند و فیزیک‌دان و نویسنده کتاب‌های علمی تخیلی معاصر می‌گوید: «من در نوشتن داستان‌های علمی-تخیلی، به اصول علمی کاملاً پایبندم و تاکنون نشده‌ام مطلبی بنویسم که وقوع آن به نظر غیرممکن باشد.» متأسفانه در ایران به تعداد انگشتان دست هم نویسنده علمی-تخیلی نداریم. معدود داستان‌های نوشته



شده نیز اکثراً کپی شده داستان‌ها یا فیلم‌های علمی - تخیلی خارجی‌اند. علت این امر را باید در وهله نخست در عقب ماندگی تاریخی کشور از علم و تکنولوژی جست و جو کرد. واقعیت تلخ این است که در کشور ما، هنوز علم به عنوان یک پدیده‌ای اجتماعی، مطرح و فراگیر نشده و به جزئی از زندگی روزانه مردم در نیامده و اگر نویسندگانی هم پیدا شود و به گونه‌ای علمی-تخیلی داستان بنویسد، ترجیح می‌دهد که از اسامی خارجی استفاده کند!

همچنین کتاب‌های علمی - تخیلی معروف دنیا، پس از گذشت سال‌ها ترجمه و چاپ می‌شود. کتاب‌های ژول ورن، با آن همه غنای علمی، پس از سپری شدن حدود یک قرن در ایران منتشر شد. زمانی که دیگر همه پیش‌بینی‌های وی تحقق یافته و دیگر پیش‌بینی نامیده نمی‌شد و عمده شهرت ژول ورن در ایران، نه به دلیل کتاب‌هایش، بلکه به دلیل نمایش فیلم‌هایی است که براساس داستان‌هایش ساخته و در ایران به نمایش گذاشته شده است.

سرانجام باید گفت که داستان‌های علمی-تخیلی به دلیل یک سو نگری و بی‌توجهی، نیازمند احیای مجدد است. از این رو، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با رویکردی نو اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع ادبیات علمی - تخیلی و فانتزی کرده است که اولین نشست، سه شنبه بیست و نهم مرداد ماه سال جاری، در ساعت ۶:۳۰ عصر با حضور نویسندگان، مترجمان و علاقه‌مندان این ژانر در محل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد. در این نشست که به منظور جمع‌آوری فهرست موضوعی برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی به صورت جلسه بحث آزاد، با به کارگیری یکی از مهم‌ترین دستمایه‌های ژانر علمی - تخیلی، یعنی تاریکی (به علت قطع برق) برگزار شد، شهرام اقبال زاده، مهرداد توپسرکانی، محمد قصاب، پیمان اسماعیلیان و مسعود شهبابی حضور داشتند.

ابتدا محمد قصاب، نویسنده و مترجم داستان علمی-تخیلی، در بیان هدف برگزاری این نشست گفت: «در کارگاه‌هایی که وجود داشت دو رویکرد مطرح شد تا به بهبود روند برگزاری کارگاه از نظر کیفی کمک کند. در رویکرد اول، طرح چگونگی هدایت جلسات و برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلند مدت آن‌ها توسط جمعی از دوستان صاحب نظر مطرح بود و رویکرد دوم، برگزاری یک نشست آزاد برای جمع‌آوری نظرات و علاقه‌مندی‌های دوستان، برای چگونگی هدایت و جهت دهی به روند برگزاری کارگاه‌های داستان‌های علمی-تخیلی و فانتزی تا براین اساس، تمامی دوستان علاقه‌مند، نویسنده و صاحب نظر براساس نیازها و داشته‌ها مباحثی را طرح و ما نیز براین اساس موضوعات نشست‌ها را تنظیم کنیم. از آنجایی که بحث بر سر تعاریف و کلیات ادبیات علمی و تخیلی، به تکرار بدیهیات منجر خواهد شد، لذا امروز دوستان فقط موضوعاتی را که به نظرشان جذاب و قابل بحث است در قالب طرح موضوع مطرح کنند.»

سپس مهرداد توپسرکانی، مترجم و پژوهشگر، به طرح موضوع پرداخت: «من درباره موضوعاتی از داستان‌های علمی-تخیلی که درحال حاضر بر روی آن‌ها درحال بررسی هستم، متمرکز می‌شوم که از مهم‌ترین آن‌ها گونه‌شناسی تخیل - علمی است. تلاش ما بر این بوده که به یک تعریف جامع از تخیل علمی برسیم و مرز مشخصی بین آن و فانتزی در تعاریف ملموس قایل شویم و خلاف تلاش‌های انجام شده، دستیابی به تعاریف مورد نظر میسر نشد. پس ترجیح دادیم ابتدا به شناسایی انواع گونه‌های تخیل علمی بپردازیم و بعد از دستیابی به یک درک کلی از آن، به جمع‌بندی برسیم. البته هنوز نقص بزرگ موجود، نبود یک تعریف جامع و مانع است و آنچه من روی آن درحال بررسی هستم، بسیار جای بحث دارد. از یک طرف، تعاریف تخیل علمی به قدری زیاد است که هرکدام به تنهایی صحیح به نظر می‌رسند، ولی از طرف دیگر کامل نیستند. بنابراین، شناسایی گونه‌ها و بررسی خرده گونه‌ها را پیشنهاد می‌کنم که بسیار جای بررسی و تحقیق دارد. من گونه را معادل ژانر و خرده گونه را معادل ساب ژانر در نظر می‌گیرم. اما درمورد ادبیات فانتزی که یک شاخه جدا شده از علمی-تخیلی است و به اندازه خود تنه اصلی ضخامت و اهمیت دارد و از همان ریشه مشترک تغذیه می‌کند، باید اضافه کنم با وجود مشترکات ذکر شده، فانتزی دارای قوانین خاص خود است و به شدت هم این شاخه در حال رشد است. زیرا با رشد علم رشد می‌کند و با گمانه زنی‌های علمی قطورتر می‌شود چون خصوصیتی مشابه علم دارد. بنابراین، شناخت خرده گونه‌ها برای اغلب نویسندگان و مترجمان که با آن برخورد می‌کنند، مشکل است.»

وی دشواری در طبقه‌بندی این ژانر را از دیگر موضوعات دانست و اضافه کرد: «نوع طبقه بندی در این گروه، به سهولت

**وزیری:
مهم‌ترین
خصوصیت
این گونه ادبی
که آن را
این همه مقبول
مخاطب کرده،
وجه سرگرم کننده
آن است.**

امکان پذیر نیست. مثلاً من شخصاً نمی‌دانم مجموعه نویسی‌ها در طبقه‌بندی خرده گونه علمی-تخیلی قرار می‌گیرد یا نه؟»

تویسرکانی با مقایسه ژانر علمی-تخیلی با رئالیسم افزود: «ما در دنیای علمی-تخیلی، موضوعی به نام جهان سازی داریم که باید جهانی را از هیچ یا بر پایه یک سری از عناصر جهان آشنای خود، ولی کاملاً بیگانه بسازیم و به صورت منطقی و قابل قبول به بسط و تعریف آن بپردازیم و بعد از این مرحله به شخصیت سازی رو بیاوریم، یعنی کارمان در مقایسه با نگارش یک داستان رئال، چند برابر سخت‌تر است. در داستان رئال فقط به بیان زمان، مکان و شخصیت‌ها می‌پردازیم، ولی در علمی-تخیلی، مکان ظهور شخصیت‌ها، یعنی دنیا سازی نیز باید انجام پذیرد. این کار بسیار سخت است و اکثر نویسندگان در جلد اول، جهان را شکل می‌دهند و سپس در جلد‌های بعدی به همان پایه ابتدایی اضافه می‌کنند و یا حتی به زمانی عقب‌تر از زمان اصلی بر می‌گردند و در گذر زمان، جهان خود را شکل می‌دهند. این روش مجموعه‌نویسی، در ادبیات علمی-تخیلی خیلی به سرعت جا باز کرده است و این روش در میان مترجمان و ناشران طرفداران زیادی دارد. حال این سوال مطرح است که آیا می‌توان این مجموعه‌سازی را در محدوده معینی تعریف کرد و آن را از سایر خرده گونه‌ها جدا ساخت؟»

سپس پیمان اسماعیلیان، نویسنده و مترجم ادامه داد: «ابتدا می‌خواهم ژانر فانتزی را از علمی-تخیلی جدا کنم. من معتقدم علمی-تخیلی به عنوان یک ژانر مستقل، از فانتزی قابل بحث است. اگرچه برخی منتقدان، براساس بعضی پارامترها و عناصر سازنده علمی-تخیلی، معتقدند که این گونه را الزاماً نمی‌توان مجزا در نظر گرفت. این موضوع تا جایی ادامه پیدا می‌کند که برخی از آثار نویسندگان علمی-تخیلی نیز از قرارگیری در این گروه حذف و حتی خود نویسنده هم اعتقاد به طبقه بندی اثرش در این ژانر ندارد و با این جریان همراه می‌شود. من اجالتاً این دو ژانر را مستقل فرض می‌کنم؛ هرچند معتقدم آبشخور علمی-تخیلی، همان آبشخور فانتزی است و شاید هم باید به همین تعریف اکتفا کرد که علمی-تخیلی، شاخه‌ای تناور از فانتزی است. به همین دلیل، در یک نگاه اجمالی این دو گونه غیرمستقل، ولی دربررسی دقیق‌تر، هرکدام براساس ویژگی‌های‌شان قابل تفکیک‌اند.»

وی ادامه داد: «موضوع دیگری که به ذهن می‌رسد، برداشتن این برچسب از روی علمی-تخیلی است که «علمی-تخیلی مثل سایر ژانرها، ژانر محسوب نمی‌شود و ملاک ارزشمند بودن اثر علمی-تخیلی، در مضمون و محتوای آن نیست» در توضیح این موضوع باید گفته شود اگر داستان علمی-تخیلی به صورت تفسیرگر، با تمرکز بر مضمون اصلی داستان و هدفمند بودن آن برای بیان حقیقت و واقعیت نگاشته شود، تمامی موارد مذکور ملاکی برای ارزشمند بودن اثر علمی-تخیلی است و در بیان متضاد داستانی با جریانی پرکشش، ولی فاقد درون مایه و بی‌توجه به حقیقت داستانی، فاقد ملاک‌های ارزشی خواهد بود.»

این پژوهشگر درباره تأثیر رشد علم در بالندگی ادبیات علمی-تخیلی نیز افزود: «آنچه به عنوان علم روز می‌شناسیم، در ادبیات علمی-تخیلی حائز اهمیت است؛ زیرا علم روز به سیطره‌ای گسترده‌تر از علوم تجربی کشیده شده است و زمینه‌هایی مثل مذهب، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و... به راحتی در فضای علمی و تخیلی جا باز کرده‌اند. به همین دلیل است که علمی-تخیلی، ژانری عجیب و با هویتی مستقل است و شاید لازم باشد آن را از فانتزی جدا کنیم.»

لواسانی، پژوهشگر و نویسنده کودک نوجوان ادامه می‌دهد: «ژانر علمی-تخیلی زمینه‌های زیادی برای بحث دارد و دیگران خیلی بیشتر از ما روی این موارد بررسی کرده‌اند.»

وی ویژگی‌های این ژانر را چنین توصیف کرد: «ژانر علمی-تخیلی، ژانری گریز پاست و آن هم به علت گستردگی و ویژگی‌های دو عنصر علم و تخیل است که دائماً رو به رشد هستند. تا آنجا که شاهد ورود این ویژگی‌ها و خصوصیات به ادبیات واقع‌گرا نیز هستیم و اصطلاح رئالیسم جادویی را می‌پذیریم و این یعنی ظهور یک پدیده قابل درک در واقعیت موجود که دارای عناصر فانتزی و تخیلی است و شما هیچ چاره‌ای جز پذیرش آن ندارید. زیرا دارای محتوایی از حقایق برای خواننده است و زاویه جدیدی را برای نگاه به حقیقت و واقعیت، پیش روی خواننده قرار می‌دهد. من فکر می‌کنم علمی-تخیلی در تمام بخش‌ها قابل بحث است و من رسیدن به نتیجه را در این ژانر بعید می‌دانم. از ویژگی‌های معرفت علمی، پی‌گیری لایه به لایه حقیقت است و حقیقت هم به علت همذات بودن با تغییر مدام درگریز است و ایستایی برای آن قابل تعریف نیست. اگر چه دغدغه من ادبیات کودک و نوجوان است، فکر می‌کنم اگر قرار است تحولی در این نوع از ادبیات ما صورت بگیرد، باید از ژانر علمی-تخیلی در ادبیات کودک و نوجوان شروع شود.»

وی ادامه داد: «در نوشتن برای کودک، محافظه‌کاری مطرح است؛ زیرا شما با مباحث روان‌شناسی و علوم تربیتی هم مواجه می‌شوید که از قبل باید با تعاریف مشخص با در این عرصه بگذارید و گاه این سوال مطرح می‌شود که ژانر علمی-تخیلی باید در گروه سنی مشخصی قرارگیرد یا این که با ادبیات بزرگسال همراه باشد و این در صورتی است که طرح مسائل

لواسانی:

در نوشتن

برای کودک،

محافظه‌کاری

مطرح است؛

زیرا شما

با مباحث

روان‌شناسی و

علوم تربیتی هم

مواجه می‌شوید که

از قبل باید

با تعاریف مشخص

با در این عرصه

بگذارید و گاه

این سوال

مطرح می‌شود که

ژانر علمی-تخیلی

باید در گروه سنی

مشخصی

قرارگیرد

علمی-تخیلی کودک، در مقایسه با بزرگسال دارای زمینه های متفاوتی است.»

قصاع در جمع بندی روند بحث و دسته بندی موضوعات ارائه شده، گفت: «در بحث دوستان، سه موضوع اصلی مورد توجه است که شامل تعیین تقسیم بندی گروه سنی کودک و نوجوان، به عنوان مخاطبان این ژانر، معرفت‌شناسی و محتوای علمی-تخیلی و دیگری تعاریف و حد و مرز ژانر علمی-تخیلی با فانتزی است.»

لواسانی افزود: «تعریف علمی-تخیلی در خور بحث است، ولی به نظر من سرانجامی ندارد؛ بدین معنی که نمی‌توان حداقلی برای آن تعریف کرد. ما بر اساس تعاریف رایج می‌دانیم علمی - تخیلی، تفاوت‌هایی با فانتزی دارد. مثلاً این تفاوت‌ها شامل تفاوت در کارکرد و جنس تخیل است و این که می‌دانیم در نقد اثر فانتزی، ارجاع به خارج از اثر نداریم و جهان همان جهان داستان است و با هیچ متری برای اندازه گیری واقیعت نمی‌رویم. در حالی که در علمی-تخیلی، نویسنده نیم نگاهی به وضعیت حال حاضر علم روز دارد و به کارگیری آخرین نظریه ها و دستاوردهای علمی که وسیله‌ای برای سنجش تخیل است، جزء لاینفک داشته‌های نویسندگی است. با وجود تمامی این تعاریف، تعیین حدود معین و قابل تشخیص برای تفکیک این ژانرها در قالب تعاریف مربوطه ممکن نیست.»

شهرام اقبال زاده، نویسنده و دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نیز اضافه کرد: «ما در تعریف علوم انسانی آن‌ها را جزو علم می‌شماریم پس وقتی داستان‌های علمی-تخیلی اجتماعی داریم، بدین معناست که روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... در تعریف علمی دارای جایگاه مشخصی هستند. البته این بدین معنا هم نیست که تمام خصوصیات علوم دقیق، مثل تکرارپذیری را شامل شوند، اما آن‌چه مسلم است، رفع تناقض بین علم و تخیل است. مثلاً شما در ادبیات فانتزی به دنبال یک واقیعت می‌گردید و چون آن را به عنوان یک واقیعت می‌پذیرید، با آن همراه می‌شوید؛ زیرا اگر بنیان را خیالات در نظر گرفته باشید، دیگر در گروه خوانندگان آثار نخواهید بود.»

کاتارینا ورزی، مترجم و پژوهشگر فانتزی، هدف ادبیات تخیلی را چنین بازگو می‌کند: «ادبیات تخیلی هدفش سرگرم کردن است. هر چند ممکن است فلسفه‌ای که در این گونه مطرح می‌شود، خیلی سنگین و غامض باشد، مهم‌ترین خصوصیت این گونه ادبی که آن را این همه مقبول مخاطب کرده، وجه سرگرم کننده آن است. فرم این گونه ادبی است که مخاطبان کودک و نوجوان را جذب می‌کند.»

ورزی هم‌چنین با گلایه از بی توجهی به این ژانر در بین ناشران ادامه داد: «تخیل اساس اصلی ژانر فانتزی است، ولی این قضیه فراموش شده و در حال حاضر به نفع ادبیات واقع‌گرا کنار رفته است. بنابراین هدف ما رساندن این ژانر به کودکان و نوجوانان و مخاطب‌سازی است، ولی در ایران از آن‌جا که ناشران مخاطب‌شناسی ضعیفی دارند، از تعداد خوانندگان کتاب، بعد از سنین نوجوانی کاسته می‌شود و این در حالی است که مترجم هم بدون حمایت ناشر نمی‌تواند مؤثر باشد.»

وی تفاوت اصلی علمی-تخیلی و رئالیسم را تفاوت چارچوب دانست و ادامه داد: «علمی-تخیلی و رئالیسم دارای جهان‌سازی متفاوت هستند، ولی علمی-تخیلی مجهز به علمی فراتر از علوم ما با ماهیت واقیعت بخشیدن به جادو، دارای قدرت تأثیرگذاری بیشتر است. آن‌چه مسلم است، قوانین و قواعد در هر دو ژانر وجود دارد و خوب بودن و تأثیر هر دو آن‌ها، به خط سیر داستان و شخصیت‌پردازی مربوط می‌شود.»

در ادامه حسین شهرابی، مترجم، اصرار بر طبقه بندی را در ابتدای جلسه، غیر ضروری دانست و گفت: «با نظر استانیسلاو لم موافقم که گفته طبقه بندی بی‌مورد است.» او از قول جی. جی. بالارد ادامه داد: «تنها گونه موثق ادبی، گونه علمی-تخیلی است؛ چرا که دیگر گونه‌ها به بشر به عنوان شخص نگاه می‌کنند و این تنها گونه علمی-تخیلی است که بشر را به عنوان یک کل می‌بیند.» وی گفت: «من فکر می‌کنم اولین هدف این جلسات باید این باشد که دوستانی را که با این گونه ناآشنا هستند، قانع کنیم که این گونه ادبی، جایگاهی درخور توجه دارد و بحث‌های تئوریک در باره گونه‌شناختی را موکول به جلسات آینده کنیم.»

بهزاد قدیمی، عضو تحریریه سایت آکادمی فانتزی، در تأیید نظر شهرابی افزود: «این طور فکر می‌کنم که ارائه تعریف از گونه، کار درستی نباشد. می‌توانیم هسته‌های گونه را بشناسیم و بگوییم مثلاً فلان اثر کاملاً علمی-تخیلی است، ولی قطعاً تعیین مرزها کار دشواری است. در ضمن در جلسات اول باید هدف ما ترغیب مخاطبان ناآشنا باشد تا بحث بر سر مسائل پیشرفته‌تر.»

دکتر بلیغ هم ذهن نویسنده داستان‌های علمی-تخیلی را ذهنی واگرا در برخورد با مسائل برشمرد و گفت: «راه رفتن بین متن‌های مختلف ادبیات، مشابه دیوارهایی با حدود و تعاریف مشخص خود است که در مورد ذهن علمی-تخیلی صدق نمی‌کند؛ زیرا این ذهن می‌تواند از این حدود بگذرد و قوانین علمی مانع او نمی‌شوند و حتی فانتزی هم نمی‌تواند برای او قانون بگذارد. حتی می‌تواند دنیایی را که خود خلق کرده، نقض کند که در نتیجه این روند، باعث منعطف شدن ذهن تا جایی

قصاع:

سه موضوع اصلی
مورد توجه است که
شامل تعیین
تقسیم بندی
گروه سنی
کودک و نوجوان،
به عنوان
مخاطبان این ژانر،
معرفت‌شناسی
و محتوای
علمی-تخیلی و
دیگری تعاریف
و حد و مرز ژانر
علمی-تخیلی
با فانتزی است.

بلیغ:

کمکی که
علمی-تخیلی
به صورت
گسترده می‌کند،
این است که
آن‌چه را که
خیلی جدی
می‌گرفتیم،
کم‌تر جدی
بگیریم و از
کنار آن‌چه
حائز اهمیت
نبوده است،
با بی توجهی
رد نشویم.

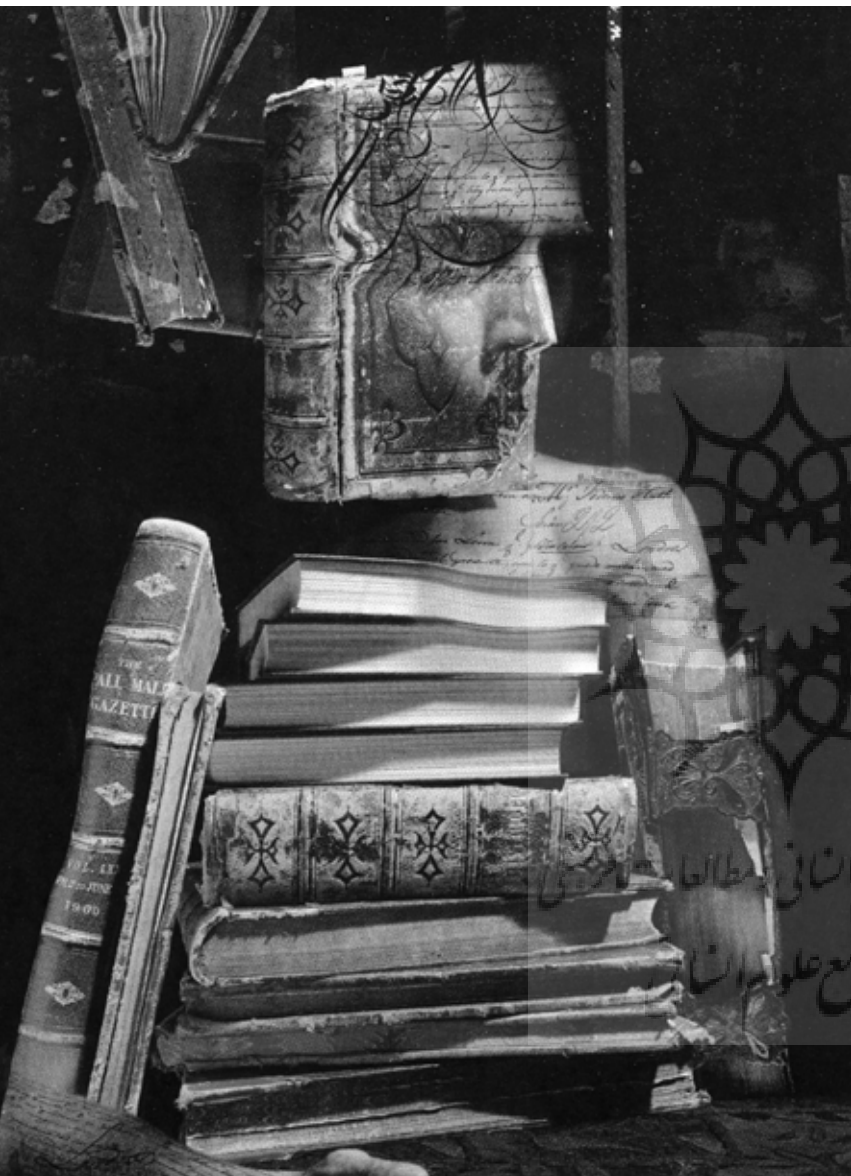
می شود که در برخورد با مشکلات واقعی، به دنبال راه حل هایی با زاویه دید جدید می گردد.»
 بلخ، کمک ژانر علمی-تخیلی را به بشر، چنین می داند: «کمکی که علمی-تخیلی به صورت گسترده می کند، این است که آن چه را که خیلی جدی می گرفتیم، کم تر جدی بگیریم و از کنار آن چه حائز اهمیت نبوده است، با بی توجهی رد نشویم. ما گاه محدودیت هایی را با داستان خودمان می سازیم که خودمان هم قادر به عبور از آن ها نیستیم، اما با داشتن یک ذهن علمی-تخیلی، رد شدن از این محدودیت ها غیر ممکن نیست.»
 سپس یکی از حضار پرسید، آیا ضرورت خاصی برای توجه به این داستان ها وجود داد؟ آیا کم تر به این ژانر توجه شده است و ضرورتی برای توجه بیشتر وجود دارد؟ میزان استقبال مخاطبان از این ژانر تا به حال در کشور ما بررسی شده است؟

یا این که چون غربی ها با توجه به فرهنگ و شرایط علمی خاص خودشان به این قضیه توجه می کنند، ما هم به تقلید از آن ها عمل می کنیم و اصولاً این ژانر چه اهمیت ویژه ای دارد؟

اقبال زاده، در پاسخ به سوالات طرح شده چنین گفت: «یکی از مشکلات شرق که ایران هم جزئی از آن است، نبود فرصت برای نظریه پردازی با وجود دارا بودن فرهنگ غنی است. از آن جا که نظریه پردازی همواره بر نقد استوار است و نقد هم اجازه برخورد با مسائل سیاسی و اجتماعی را می طلبد و نیز به علت عدم ورود نقد به این حوزه ها، این فرهنگ غنی هم به شکوفایی نرسید و آثاری مثل هزار و یک شب و کلیله و دمنه که بر غرب تأثیر گذاشت، مسکوت ماند. من به عنوان داور جشنواره های متعدد، بارها این موضوع را دیده ام که بیش از هشتاد درصد ترجمه های ما، فانتزی به مفهوم وسیع است که شامل علمی-تخیلی، داستان های جادویی و حتی بازنویسی داستان های کهن می شود. در حالی که در غرب، استقبال به این شدت نیست.»

اقبال زاده ژانر علمی-تخیلی را ژانری بالنده خواند و افزود: «بالنده بودن ژانر، به معنای بار ارزشی خوب یا بد نیست، بلکه معتقدم هر ژانر جایگاه ویژه خود را دارد. در این میان، برخی از روی ناآگاهی معتقدند ژانرها می میرند، ولی آن چه مسلم است، شاهکارها هرگز نمی میرند. در سال ۲۰۰۰ میلادی، کسی در فرانسه ادعا کرد: «دیگر کسی بالزاک نمی خواند» و دوران رئالیسم به سر آمده است، ولی هنوز هم پرفروش ترین رمان ها در فرانسه، رمان های بالزاک است. پس بحث ارزشی در این جا مطرح نیست و جالب این جا است که در جایی دیگر، کتاب شازده کوچولو، یعنی کلاسیک به معنای برجسته و ممتاز و نه به عنوان کلاسیک معاصر، کتاب قرن می شود. در حالی که رئال نیست. حالا من این سوال را دارم: به نظر شما کتاب شازده کوچولو غربی است یا شرقی؟ اگر دقیق شویم، نگاه آن شرقی است؛ اگر چه حاصل نگارش غرب است که این همان تعامل فرهنگ هاست.»

لواسانی، از اعضای مرکز پژوهش های کانون نیز در پاسخ به یکی دیگر سوالات طرح شده، گفت: «دو تحقیق در بحث بررسی کتابخوانی در کتابخانه های شهر تهران، در سال های ۷۹ و ۸۰ برگزار شد که در هر دو تحقیق، بالاترین در خواست برای خواندن کتاب های علمی-تخیلی بود.»
 تویسرکانی هم درباره تاریخچه ظهور علمی-تخیلی در غرب گفت: «علمی-تخیلی در غرب هم همانند این جا مورد بی مهری و کم توجهی قرار گرفت. تا قبل از اواخر دهه هشتاد، در غرب هم وضعیت مشابهی وجود داشت، ولی موفقیت های تجاری این ژانر، همانند جنگ های ستاره ای، باعث شد کم کم توجه مردم به مسائلی مهم تر از جنگ های ستاره ای در این ژانر جلب شود. ادبیات علمی تخیلی دغدغه هایی فراتر از ادبیات عادی دارد و یک ژانر انسانی است که در پوششی از علم، به فکر آینده بشر است، پس نمی توان آن را محدود به شرق یا غرب نمود.»



تویسرکانی:
ادبیات
علمی تخیلی
دغدغه‌هایی
فراتر از ادبیات عادی
دارد و یک
ژانر انسانی است
که در پوششی
از علم، به فکر
آینده بشر است،
پس نمی‌توان آن را
محدود به
شرق یا غرب
نمود.

حسن زاده:
نگاه رایج
نویسندگان برای
ورود به این ژانر،
متأسفانه مثبت
نیست. مثلاً
وقتی برای
یکی از دوستان
در مورد جلسه
امروز صحبت کردم،
گفت: «ما
در حال حاضر
تنها چند نویسنده
رنال خوب داریم
که شما هم
به علمی-تخیلی
گرایش پیدا کرده‌اید!»
با توجه به
شرایط فعلی،
آغاز فعالیت‌های
آموزشی و
تشکیل کارگاه‌ها،
به تغییر و
بهبود این نوع نگرش
کمک خواهد کرد.

تقریباً در اواخر جلسه، جمال‌الدین اکرمی که با تأخیر هم رسیده بود، گفت: «این ژانر با توجه به کثرت مخاطبان، نیازمند نگاه کاملاً جدی است. برای آگاهی از پتانسیل فعال این ژانر در بین نویسندگان، مترجمان و علاقه‌مندان، برگزاری جلسات نقد و نمایشگاه‌ها الزامی است تا دیگر از یکی از مسئولان ذی‌ربط شنویم که ما در این ژانر کار تألیفی نداریم.»

در این بین، تویسرکانی که در اثنای صحبت‌های اکرمی به یاد مطلبی افتاده بود، با هیجان خاصی گفت: «من از دوستان و اعضای شورای کتاب کودک می‌خواهم به این سوال پاسخ دهند که چرا در فرهنگ نامه شورا مدخل علمی-تخیلی نداریم؟ و حتی برخی از دوستان نمی‌دانند ژانر علمی تخیلی چیست؟»

نعمتی، از اعضای شورای کتاب کودک، در پاسخ گفت: «در گروهی که در سال ۱۳۶۸ به نام گروه ادبیات کودک و نوجوان تعریف شده است، ما این ژانر را نداشتیم و حالا هم امکان برگشت و اصلاح نداریم. البته هنوز در فرهنگ‌نامه به مدخل علم نرسیده‌ایم و در صورت در نظر گرفتن مدخل علم حتماً به این ژانر خواهیم پرداخت.»

لاله دفتری، نویسنده کودک و نوجوان هم با انتقاد از ناآگاهی مؤلفان داخلی از درون مایه‌های ژانرهای مورد بحث افزود: «موضوع رایج در این بحث، به نظرم توجیه اشکالات اساسی وارد بر نویسندگان این ژانر، بر اساس موضوع و ماهیت آن است. مثلاً وقتی از نویسنده این ژانر می‌پرسید چرا کار شما منطقی ندارد، به راحتی می‌گوید: «خب، کار فانتزی است» و این در حالی است که کار فانتزی هم نیازمند منطق خود است؛ یعنی هنوز تفاوت منطق کار فانتزی با اثر رئال برای خود نویسنده هم روشن نیست.»

نعمت‌الهی، از دیگر نویسندگان حاضر در جلسه، در مورد ضعف نویسندگان این ژانر اضافه کرد: «تصور من از نگارش داستان‌های علمی-تخیلی این است که هر نویسنده‌ای قادر به این کار نیست. نوشتن در این ژانر، نیازمند پشتوانه غنی علمی است و از آن‌جا که واقعیت علمی-تخیلی به آینده بشر پیوند خواهد خورد، پس نیازمند نگارش‌هایی است که در کمک به این جهش علمی موثر باشند. در حال حاضر، فیلم‌هایی از این داستان‌ها دیده‌ایم که تحقق یافته‌اند؛ مثل شبیه‌سازی، کاربرد سلول‌های بنیادی و... در نتیجه نویسنده این کار، جهانی می‌سازد که حاوی آرمان‌ها و اندیشه‌های وی است و با هنر نمایی خود مخاطب را در شگفتی‌های مذکور سهیم می‌کند. اگر همواره این اصل که فانتزی هم دارای منطق است و با وجود فکر و تخیل، در فانتزی باید حقیقت پنهانی هم وجود داشته باشد، نویسنده با هر طرز تفکری به دنبال یک حقیقت پنهان می‌رود که در پشتوانه فکری او دیده خواهد شد و ادامه این خط سیر در علمی-تخیلی، به پیشرفت مقاطع بالاتر علمی کمک خواهد کرد. مثلاً فلیپ پولمن ماورایی می‌اندیشد؛ اگر چه در برخی دسته‌بندی‌ها، داستان‌های ماورایی جزو فانتزی قلمداد نمی‌شوند، حاصل افکار برتر است و آینده را خواهد ساخت.»

در اواخر جلسه، خبرنگار سایت خبری ایرنا هم عدم وجود رابطه ملموس بین علم و صنعت با مفاهیم رایج علمی-تخیلی را از مهم‌ترین دلایل عقب ماندگی این ژانر در کشور دانست و ادامه داد: «اگر کشور ما به هر میزانی در تولید علم در دنیا سهیم است، در مورد این ژانر هم باید بین علم و نویسنده تعامل حاصل شود.»

قصاع هم افزود: «حقیقتاً بین پیشرفت علم و پیشرفت ادبیات علمی-تخیلی، نسبتی وجود دارد. برای مثال، ما در طول تاریخ کشورمان در اوج پیشرفت‌های علمی، داستان‌های علمی-تخیلی داشتیم مثل داستان‌هایی که ابن سینا نوشته است گرچه آن موقع، اصطلاح علمی-تخیلی رایج نبود.»

ورزی نیز در انتهای جلسه، با کوشش در تغییر نگاه برای یافتن موضوعات علمی-تخیلی گفت: «موضوعات علمی-تخیلی لازم نیست حتماً در مورد علوم پیچیده باشد. محدوده داستان می‌تواند حول وقوع یک زلزله چند ریشتری در تهران و پیش بینی وضعیت ساختاری شهر با وجود لوله‌های آب، گاز، بافت فرسوده و... باشد و یا انفجار یک نیروگاه هسته‌ای و حتی فعالیت مجدد قله دماوند در تهران.»

فرهاد حسن زاده هم به عنوان نماینده نویسندگان واقع‌گرا، جلسه را این‌طور پایان داد: «من یک نویسنده رئال و طنز هستم و هیچ‌گاه به خودم این جرأت را نداده‌ام که به این ژانر وارد شوم، ولی از آشنایی نویسندگان با پایه‌های این ژانر استقبال می‌کنم. چون در حال حاضر، خلاف ادبیات دینی، مذهبی و حماسی که جایگاه ویژه‌ای در جامعه ما دارند، این ژانر کاملاً مهجور است. فکر می‌کنم با فعالیت‌های انجمن، جذب نویسنده برای ورود به این عرصه، امکان پذیرتر شود.»

وی هم‌چنین با انتقاد از نوع نگاه رایج نویسندگان رئال نسبت به ژانر علمی-تخیلی افزود: «نگاه رایج نویسندگان برای ورود به این ژانر، متأسفانه مثبت نیست. مثلاً وقتی برای یکی از دوستان در مورد جلسه امروز صحبت کردم، گفت: «ما در حال حاضر تنها چند نویسنده رئال خوب داریم که شما هم به علمی-تخیلی گرایش پیدا کرده‌اید!» با توجه به شرایط فعلی، آغاز فعالیت‌های آموزشی و تشکیل کارگاه‌ها، به تغییر و بهبود این نوع نگرش کمک خواهد کرد.»

اولین نشست آزاد ژانر علمی-تخیلی و فانتزی، با گرمی‌داشت زنده یاد ابراهیمی، به پاس ارائه بهترین ترجمه‌ها در زمینه ژانر فانتزی به پایان رسید.